

تلفظ	معنی	لغت
"کیندرِد"	خویشاوند، قوم و خویش	Kindred
"اسپیریت"	روح	spirit
	نیمه گمشده کسی کسی که مثل شماست	a Kindred spirit
"ایمِجِز"	تصاویر	images
"رِیس"	نژاد	race
"گَلُورِیس"	پر افتخار، باشکوه	glorious
"فیل"	پر کردن	fill
"سِرُو"	خدمت کردن	serve
"ذِ کُورِت"	دربار	the court
"امپِرِر"	امپراتور	Emperor
"وِیزِیت"	دیدار کردن	visit
"ایمِجِن"	تصور کردن	imagine
"ذِرْفُور"	بنابراین، از این رو	therefore
"کانکِر"	فتح کردن	conquer
"هُول"	کل، تمام	whole
"وَرشِیپ"	پرستش کردن	Worship
"فالس"	دروغین	False

Any other	فرد دیگری	"انی اذر"
nobody else	هیچ کس دیگر	"نوبادی الس" إلّا: غلط
fear	ترسیدن	"فیر"
accept	پذیرفتن	"اکسپت"
interpretation	تفسیر	"اینتر پرتیشن"
giant	غول پیکر	جاینت
once	زمانی	وانس
Fact	حقیقت	"فکت"
lost	گم شدن، باختن	"لاست"
knowledge	دانش	"نالج"
ever	تا حالا	"اور"
allow	اجازه دادن	"الو"
rule	حکمرانی کردن	"رول"